

## بررسی نقش نماز در پیشگیری از وقوع جرم و جنایت

محمود شیر افکن

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده:

یکی از مهم‌ترین نیازهای درونی انسان، نیایش در برابر معبود یگانه است که با توجه به شاکله وجودی انسان می‌توان گفت، نماز بهترین پاسخ به این نیاز می‌باشد. نماز ریشه در آیات و روایات فراوان دارد به عنوان نمونه، امام سجاد (ع) در رساله حقوق خود از اهمیت آن سخن می‌گوید. آن امام بزرگوار از نمازگزاران می‌خواهد که آن را بطور حقیقی ادا کنند، با آرامش و وقار و با دلی خاشع و زبانی نیکو آن‌را برپا دارند و جان و دل خود را متوجه خدا سازند. انسانها در جامعه عمدتاً جنبه عدالت خواهی، حقیقت طلبی، کمال گرایی، زیبایی دوستی و محبت طلبی را در اذهان خود می‌پروراندند از این روی جرم و جنایت را منفی می‌پندارند و در پی آنند که با ابزارهایی از وقوع جرم و جنایت جلوگیری نمایند. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که نماز چگونه و با چه مکانیزمی از وقوع جرم و جنایت پیشگیری می‌نماید؟ فرضیه پژوهش آن است که نماز، شخصیت انسان را تعالی می‌بخشد و او را به ابزار کنترل درونی مجهز کرده و جهت گیری مناسبی در رفتار آنها ایجاد می‌نماید، در نتیجه وقوع جرم و جنایت در جامعه نیز کاهش می‌یابد. برای بررسی فرضیه از روش اسنادی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای بهره می‌بریم.

واژگان کلیدی: نماز، تعالی، جرم و جنایت

## ۱. مقدمه و بیان مساله

یکی از مناسک مورد سفارش ادیان الهی، نماز است. آثار و فواید فراوانی برای این منسک مهم عبادی مطرح شده است. یک بخش از آثار این عبادت آثار فردی است. به نظر می رسد پیشگیری و عدم وقوع جرم یکی از آثار مهم نماز است. اکنون این پرسش مطرح است که نماز چگونه و با چه مکانیزمی در پیشگیری از عدم وقوع جرم انسان را یاری می نماید؟ برای پاسخ به این پرسش به بررسی آیات، روایات و دیدگاه های دانشمندان می پردازیم. از رهگذر این بررسی ها، چگونگی تاثیرنماز در اصلاح شخصیت فرد که منجر به پیشگیری از عدم وقوع جرم و جنایت می گردد را تبیین می نماییم.

## ۲. پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهشهای مرتبط با رابطه ی دین و جرم بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای تدوین یافته و عمدتاً در آن-ها به روابط علی اشاره نشده، دین و جرم در تمامی جرایم و سطوح مختلف مرتبط فرض شده-اند. از این رو با صرف نظر از این پژوهش-ها در مقاله-ی حاضر به تعدادی از بررسی-های متاخر انجام شده با روش میدانی که از حیث روش-شناسی با گروه قبلی پژوهش-ها، تفاوت ماهوی دارند، اشاره می-شود.

جان بزرگی (۱۳۹۲) با عنوان «اثربخشی ارتقاء نگرش دینی بر رفتار مجرمانه جوانان» اشاره کرد. در این پژوهش که از پرسشنامه ی پایبندی مذهبی برای سنجش میزان نگرش دینی جوانان زندانی و فهرست رفتار مجرمانه (شریفی نیا) برای ثبت رفتار مجرمانه (شبه آزمایش - با دو گروه آزمایش و کنترل) همراه با پیش آزمون و پس آزمون در زندان استفاده شد، از طریق

مدل «اریکسون و جانسون»، کاهش رفتار مجرمانه تحت تاثیر آموزه‌های دینی و همچنین وجود رابطه‌ی مثبت معنادار بین ناپایبندی مذهبی و رفتار مجرمانه ثابت شد. همچنین سلطانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی ۱۶۵۹ نفر از سربازان مشغول به خدمت با استفاده مقیاس افکار خودکشی «بک» و مقیاس جهت‌گیری مذهبی «اسلامی» نتیجه گرفتند که بین رفتارهای خودکشی گریانه و جهت‌گیری مذهبی همبستگی منفی وجود دارد. در پژوهش دیگری تحت عنوان «دین‌داری و رابطه آن با پرخاشگری در معتادین به مواد مخدر، معتادین در حال ترک و افراد غیرمعتاد» که در شهر گناوه انجام شد پورمودت (۱۳۹۱) نتیجه گرفت که افرادی که مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر هستند نسبت به افراد سالم و معتادانی که اعتیاد را ترک نموده‌اند باورهای مذهبی ضعیف‌تری دارند. همچنین با افزایش میزان دین‌داری از شدت پرخاشگری کاسته می‌شود. در پژوهش دیگری (محمودی، ۱۳۹۱) که به روش توصیفی-پیمایشی (۱۵۰ نفر دانشجویان) با استفاده از تبیین‌های نظری کولاسانتو و شریور، پرسشنامه ۶۵ سوالی عمل به باورهای مذهبی گلزاری و پرسشنامه‌ی ۸۹ سوالی گرایش به مواد مخدر انجام شد. پژوهشگر نتیجه گرفت بین میزان عمل به باورهای مذهبی و میزان گرایش به اعتیاد رابطه‌ی معکوس وجود دارد. نازکتبار و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان نقش دین‌داری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران با استفاده از روش آزمایشی با آزمودنی و شاهد که (گروه آزمودنی) جوانان ساکن تهران که به صورت قانونی بزهکار (سارق) شناخته شده بودند، (نمونه گیری ۲۰ نفر) و جامعه‌ی آماری دوم (گروه شاهد) کلیه‌ی جوانان عادی ساکن شهر تهران در تابستان ۸۴ (نمونه گیری ۲۰ نفر)، پژوهشگران نتیجه گرفتند تنها، بعد پیامدی دین‌داری تاثیر مستقیم بر بزهکاری داشته و بیشترین سهم را در تبیین ممانعت از بزهکاری جوانان به خود اختصاص داده است.

خسروشاهی و جوادی حسینی آبادی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی تاثیر دینداری در کاهش جرم پرداخته و چنین نتیجه گرفته اند: «بین هویت دینی و ارتکاب جرایم ( ۰/۴۰۲-) رابطه‌ی معنی-دار منفی وجود دارد. به این معنا که با افزایش میزان دین-داری، نرخ ارتکاب جرم کاهش پیدا کرده است. همچنین بین ابعاد هویت دینی یعنی بُعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی با ارتکاب جرایم به ترتیب با ضریب (۰/۳۱۸-)، ( ۰/۲۸۴-)، ( ۰/۴۰۳-) و ( ۰/۳۷۵-) رابطه‌ی معنی-دار وجود داشت. نتایج حاصل از ضریب رگرسیون گام به گام نیز نشان داد در گام اول بُعد مناسکی و در گام دوم بُعد اعتقادی پیش-بینی-کننده‌ی میزان جرایم است. یافته‌ها همچنین نشان داده‌اند که زنان میانگین بیشتری در ابعاد هویت دینی به-دست آورده و به نسبت کمتری از مردان مرتکب جرم شده‌اند.

### ۳. آثار فردی نماز در قرآن و روایات

#### ۳-۱. آیات قرآن کریم

الف) لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ. (بقره: ۱۷۷)

نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی‌اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به

مستحق) بدهد، و نیز نیکوکار آنانند که با هر که عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آنها به حقیقت راستگویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند.

در این آیه شریفه در مقام بیان ویژگی های نیکوکاران واقعی است. یکی از صفات بارز این نیکوکاران برپایی «نماز» است. برپایی نماز به همراه دیگر مناسک و اعمال حسنه به این نتیجه ختم می شود که خداوند مدال افتحار «صادقان؛ راستگویان» و «متقین؛ با تقویان» را به این افراد عنایت می فرماید. بر این اساس صادقان واقعی و تقوا مداران حقیقی از پرباکندگان نماز هستند و می توان یکی از عوامل رسیدن به «راستگویی حقیقی» و «تقوای واقعی» را اقامه نماز دانست. پس از آنکه انسان به این دو صفت مهم یعنی راستگویی و تقوا مزین شود بسیاری از گناهان فردی، خانوادگی و اجتماعی از وی سر نخواهد زد و با این ملکه الهی می تواند هم خود و هم جامعه را اصلاح نماید.

ب) *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ* (بقره: ۲۷۷) مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارش پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. در این آیه شریفه سخن درباره آثار عمل صالح، اقامه نماز و پرداخت زکات است. خداوند متعال دو اثر مهم را برای اعمال صالح، اقامه نماز و پرداخت زکات بیان می نماید. ۱. اجر نزد پروردگار ۲. عدم ترس، حزن و اندوه برای این افراد. در اثر اول به این نکته توجه شود که حذف متعلق اجر، دلیل بر عموم است به عبارت دیگر خداوند تعیین اجر نکرده است و لذا هم شامل اجر دنیوی و هم شامل اجر اخروی می گردد. اما در خصوص اثر دوم، شایان ذکر است که این اثر یک اثر

روحي و روانی است. به عبارت دیگر خداوند بین اقامه نماز و آرامش روحي و دوری از اندوه و افسردگی و غم و غصه یک رابطه علی و معلولی ایجاد کرده است. یعنی نماز سبب آرامش روحي و روانی انسان و کاهش استرس، اضطراب، غم و اندوه و ترس و دلهره می گردد.

ج) وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ (اعراف: ۱۷۰) و آنان که به کتاب [آسمانی] چنگ می زنند [و عملاً به آیاتش پای بندند] و نماز را بر پا داشته اند [دارای پاداشند] یقیناً ما پاداش اصلاح گران را ضایع نمی کنیم. در این آیه شریفه سخن از اجر الهی برای کسانی که به کتاب مقدس قرآن تمسک می کنند و نماز را بر پا می دارند، می باشد. نکته شایان توجه آن است که خداوند برپاکنندگان نماز را با عنوان «مصلح» معرفی می نماید. از این تعبیر خداوند می توان استفاده کرد که برپاکنندگان نماز «مصلح» هستند و این عنوان به سبب عمل آن یعنی برپایی نماز است. بر این اساس برپاکنندگان نماز از گناهان دوری می کنند و در پی اصلاح خود و جامعه نیز هستند.

د) «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا (مریم: ۵۹) بعد از پیامبران الهی مردمی آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند. این گروه عذاب می شوند و کسانی که توبه کنند و ایمان و عمل صالح داشته باشند، به بهشت می روند.»

در این آیه شریفه سخن پیرامون کسانی است که نماز را ضایع کرده اند و از شهوات پیروی می کنند. خداوند به صراحت از عذاب این افراد سخن می گوید البته راه بازگشت و توبه را برای چنین افرادی باز می گذارد. دقت در این آیه محقق را به این نکته رهنمون می دارد که ضایع ساختن نماز به پیروی از شهوات منجر می شود. یعنی این گروه کسانی بودند که نماز را

ضایع کردند و در نتیجه ضایع کردن نماز، به پیروی از شهوات روی آوردند. نکته دیگری که قابل استفاده است این است که همانطور که بین ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات رابطه هست، بین حفظ حق نماز و عدم پیروی از شهوات نیز رابطه است. یعنی اگر کسی به دنبال حفظ و حراست از نماز باشد به پیروی از شهوات روی نخواهد آورد و این یکی از مهمترین آثار نماز به شمار می آید. گفتنی است بر پایه روایات اسلامی منظور از ضایع کردن نماز، ترک آن نیست بلکه بی اعتنایی، سستی و عدم رعایت شرایط و ویژگی های آن است. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ذیل آیه ۵۹ مریم)

ه) اَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۗ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت: ۴۵) آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ تر است، و خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. این آیه شریفه به وضوح سخن از تاثیر نماز در دوری از فحشا و منکر می کند. مفسرین در این باره گفتگوهای فراوانی انجام داده اند که به نظر می رسد علامه طباطبائی بهترین بیانات را در توضیح این آیه شریفه دارند. ما در این جا به نقل بیانات می پردازیم.

### چگونه نماز ایستادن را از فحشا و منکر باز می دارد؟

سیاق آیات شاهد بر این است که: مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است، البته بازداری آن به نحو اقتضاء است نه علیت تامه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند.

خواهی گفت چطور نماز از فحشاء و منکرات نهی می کند؟ در جواب می گوئیم این عمل مخصوصا که بنده خدا آن را در هر روز پنج بار به جا بیاورد، و همه عمر ادامه دهد، و مخصوصا اگر آن را همه روزه در جامعه ای صالح به جا بیاورد، و افراد آن جامعه نیز مانند او همه روزه به جا بیاورند، و مثل او نسبت به آن اهتمام بورزند، طبعاً با گناهان کبیره سازش ندارد.

آری توجه به خدا از در بندگی، آنهم در چنین محیط و از چنین افراد، طبیعتاً باید انسان را از هر معصیتی کبیره و هر عملی که ذوق دینی آن را شنیع می داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جانها و به مال ایتم، زنا، و لواط، باز بدارد، بلکه نه تنها از ارتکاب آنها، بلکه حتی از تلقین آن نیز جلوگیری کند.

برای اینکه نماز مشتمل است بر ذکر خدا، و این ذکر، اولاً ایمان به وحدانیت خدای تعالی، و رسالت و جزای روز قیامت را به نمازگزار تلقین می کند، و به او می گوید که خدای خود را با اخلاص در عبادت مخاطب قرار داده و از او استعانت بنما، و درخواست کن که تو را به سوی صراط مستقیم هدایت نموده، و از ضلالت و غضبش به او پناه ببر.

و ثانیاً او را وادار می کند بر اینکه با روح و بدن خود متوجه ساحت عظمت و کبریایی خدا شده، پروردگار خود را با حمد و ثنا و تسبیح و تکبیر یاد آورد، و در آخر بر خود و هم مسلکان خود و بر همه بندگان صالح سلام بفرستد.

علاوه بر این او را وادار می کند به اینکه از حدث (که نوعی آلودگی روحی است)، و از خبث یعنی آلودگی بدن و جامه، خود را پاک کند، و نیز از اینکه لباس و مکان نمازش غصبی باشد، پرهیزد، و رو به سوی خانه پروردگارش بایستد.



پس اگر انسان مدتی کوتاه بر نماز خود پایداری کند، و در انجام آن تا حدی نیت صادق داشته باشد، این ادامه در مدت کوتاه به طور مسلم باعث می شود که ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود، به طوری که اگر فرضاً آدمی شخصی را موکل بر خود کند، که دائماً ناظر بر احوالش باشد، و او را آنچنان تربیت کند که این ملکه در او پیدا شود و به زیور ادب عبودیت آراسته گردد، قطعاً تربیت او موثرتر از تربیت نماز نیست، و به بیش از آنچه که نماز او را دستور می دهد دستور نخواهد داد، و به بیش از آن مقدار که نماز به ریاضت وادارش می کند وادار نخواهد کرد.

### چرا بسیاری از نمازگزاران مرتکب کبائر و منکرات می شوند؟

در اینجا لازم است اشکالی که به آیه شریفه شده، و جوایش را خاطر نشان سازیم، بعضی بر این آیه اشکال کرده اند که: (این آیه می فرماید نماز از فحشاء و منکرات نهی می کند، و حال آنکه ما بسیاری از نمازگزاران را می بینیم که از ارتکاب گناهان بزرگ پروایی ندارند، چرا نماز آنان از فحشاء و منکرات بازشان نمی دارد؟).

در جواب از این اشکال بعضی از علماء گفته اند: (اصلاً کلمه (صلوه) در آیه شریفه به معنای نماز نیست، بلکه به معنای دعا است، و مراد از دعا هم دعوت به سوی امر خدا است، و معنای آیه این است که: ای پیغمبر من، بر دعوت به سوی امر خدا پایداری کن، که اگر چنین کنی این دعوت مردم را از فحشاء و منکرات باز می دارد). لیکن این جواب اشکال دارد، برای اینکه در حقیقت برای رفع اشکال و فرار از آن، آیه را از ظاهرش برگردانیده.

بعضی دیگر گفته اند: (کلمه (صلوه) در آیه شریفه در معنای نکره است، و معنای آیه این است که یک قسم از نمازها باعث می شود که نمازگزار از فحشاء و منکرات اجتناب بورزد، و درست هم هست، پس مراد همه نمازها نیست، تا آن اشکال وارد شود).

بعضی دیگر گفته اند: (نماز مادام که نمازگزار مشغول آن است این اثر را دارد، یعنی شخص نمازگزار مادام که مشغول نماز است کارهای زشت نمی کند، چون همین اشتغال به نماز او را از کارهای دیگر باز می دارد).

بعضی دیگر گفته اند: (آیه به همان ظاهری که دارد معنایی دارد که آن اشکال متوجهش نمی شود، و آن این است که: نماز مانند یک انسانی که دیگری را از فحشاء و منکرات نهی می کند، به شخص نمازگزار می گوید: زنا مکن، ربا مخور، دروغ مگو، و... و لیکن همان طور که در آن انسان لازمه نهی این نیست که شنونده گوش هم بدهد، و از گفته او منتهی هم بشود، در نماز نیز چنین است، یعنی نماز مرتب به نمازگزار می گوید که چنین و چنان مکن، و لیکن لازمه این نهی این نیست که نمازگزار منتهی هم بشود، و از آن کارها دست بردارد. مگر نهی نماز از نهی خدا مهم تر و موثرتر است، خدای تعالی در آیه شریفه (ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر)، به عدل و احسان و صلح رحم امر می کند، و از فحشاء و منکر نهی می فرماید، و مع ذلک مردم همچنان نافرمانی اش می کنند، و نهی او باعث انتهای مردم نمی شود، نهی نماز هم مثل آن، پس اشکالی که بر آیه شده ناشی از این توهم است که نهی همواره مستلزم انتهاء است، و این توهمی است باطل).

از بعضی از مفسرین نقل شده که در پاسخ از این اشکال گفته اند: (نماز را برای این می خوانند که به یاد خدا بیفتند، همچنان که خود خدای تعالی هم فرموده: (اقم الصلوه لذكری - نماز را برای یاد من به یاد دار)، و کسی که به یاد خدا باشد، مسلماً از اعمالی که خوشایند خدا

نیست پرهیز می کند، و آن اشخاصی که در اشکال مورد نظرند، اشخاصی هستند که اگر نماز نخوانند گناه بیشتر می کنند، و نماز در آنها این مقدار اثر گذاشته که منکرات را کمتر مرتکب شوند).

### پاسخ

لیکن خواننده عزیز توجه دارد که هیچ یک از این جوابها با سیاق حکم، و تعلیلی که در آیه شریفه آمده نمی سازد، برای اینکه آنچه از سیاق برمی آید این است که: اگر دستور داده اند به اینکه مردم نماز بخوانند، برای این است که نماز آنان را از فسق و فجور باز می دارد، و این تعلیل می فهماند که نماز عملی است عبودی، که به جا آوردنش صفتی در روح آدمی پدید می آورد که آن صفت به اصطلاح معروف، پلیسی است غیبی، و صاحبش را از فحشاء و منکرات باز می دارد، و در نتیجه جان و دلش را از قذارت گناهان و آلودگی هایی که از اعمال زشت پیدا می شود، پاک می نماید.

پس معلوم می شود مقصود از نماز رسیدن به آن صفت است، یعنی صفت بازداری از گناه، چیزی که هست در جواب از آن اشکال می گوئیم: پیدایش این صفت اثر طبیعی نماز هست، و لیکن به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت، پس اینکه در جواب دومی گفتند در بعضی افراد اثر دارد صحیح نیست، بلکه در همه اثر دارد، و لیکن به نحو اقتضاء و نیز اینکه در جواب سوم گفتند اثرش تا وقتی است که انسان مشغول نماز است، صحیح نیست، بلکه اثرش در همه احوال است اما به نحو اقتضاء و اینکه در جواب چهارم گفتند: نهی مستلزم انتهای نیست و گویا در آیه شریفه فرموده نماز بخوان تا نهی نماز را بشنوی صحیح نیست، بلکه نهی مستلزم انتهای هست چیزی که هست گفتیم به نحو اقتضاء و اینکه در جواب پنجم گفتند نماز یاد خدا

است و یاد خدا انسان را از فحشاء باز می دارد باز درست نیست، برای اینکه اشکال بر گناهکاری نمازگزار است، چه یاد خدا باشد و چه نباشد.

پس حق در جواب همان است که گفتیم بازداري از گناه اثر طبیعی نماز است، چون نماز توجه خاصی است از بنده به سوی خدای سبحان، لیکن این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند، نه، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می بخشد، و نمازگزار را از فحشاء باز می دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی کند، و در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می کند، خلاصه یاد خدا، و موانعی که از اثر او جلو می گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی کند، و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می شود، و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می گردد، و گناه را مرتکب می شود. و اگر خواننده عزیز بخواهد این معنا را لمس کند، باید حال بعضی از افراد که نام مسلمان دارند، و در عین حال نماز نمی خوانند، در نظر بگیرد، که اگر رفتار آنها را زیر نظر قرار دهد، می بیند که به خاطر نخواندن نماز، روزه را هم می خورد، و حج هم نمی رود و زکات هم نمی دهد، و بالاخره سایر واجبات را هم ترک می کند، و هیچ فرقی بین پاک و نجس، و حلال و حرام نمی گذارد، و خلاصه در راه زندگی همچنان پیش می رود، هر چه پیش آید خوش آید، و هیچ چیزی را در راه خود مانع پیشرفت خود نمی بیند، نه ظلم، نه زنا، نه ربا، نه دروغ، و نه هیچ چیز دیگر.

آن وقت اگر حال چنین شخصی را با حال کسی مقایسه کنی که نماز می خواند، و در نمازش به حداقل آن یعنی آن مقداری که تکلیف از گردنش ساقط شود اکتفاء می کند، خواهی دید که او از بسیاری از کارها که بی نماز از آن پروا نداشت پروا دارد، و اگر حال این نمازگزار را با

حال کسی مقایسه کنی که در نمازش اهتمام بیشتری دارد، خواهی دید که دومی از گناهان بیشتری پروا دارد، و به همین قیاس هر چه نماز کاملتر باشد، خودداری از فحشاء و منکرات بیشتر خواهد بود.

### معنای (ذکر) و مقصود از اینکه درباره نماز فرمود: (و لذكر الله اکبر)

(و لذكر الله اکبر) - راغب در مفردات می گوید: کلمه (ذکر) گاهی در معنای یاد، خاطر به کار برده می شود، مثلاً می گویند (افی ذکرک - آیا به یاد داری و آیا به خاطر داری). و این یاد و خاطر هیئتی است در نفس، که با داشتن آن انسان می تواند آنچه از معلومات کسب کرده حفظ کند، و از دست ندهد، مانند حافظه، با این تفاوت که حفظ را در جایی به کار می برند که مطلبی را در حافظه خود داشته باشد، هر چند که الان حاضر و پیش رویش نباشد، به خلاف ذکر که در جایی به کار می رود که علاوه بر اینکه مطلب در صندوق حافظه اش هست، در نظرش حاضر هم باشد.

و گاهی کلمه ذکر را در حضور قلب و یا حضور در زبان استعمال می کنند، مثلاً می گویند: ذکر خدا دو نوع است، یکی ذکر به زبان، و یکی هم ذکر به قلب، یعنی حضور در قلب، و به همین جهت است که گفته اند: ذکر دو نوع است، ذکر از نسیان، - یعنی ذکر به معنای اول -، و ذکر بدون نسیان، - یعنی ذکر به معنای دوم - که به معنای ادامه حفظ است، معنای سوم ذکر هم عبارت است از سخن، چون هر سخنی را ذکر هم می گویند.

و ظاهراً اصل در معنای این کلمه همان معنای اول است، و اگر معنای دوم را (نام خدا را بردن) هم ذکر نامیده از این بابت است که ذکر لفظی مشتمل بر معنای قلبی نیز هست، و ذکر قلبی

نسبت به ذکر لفظی اثری را می ماند که بر سبب مترتب می شود، یا نتیجه ای است که از عمل عاید می گردد.

و اگر نماز را ذکر نامیده اند، برای این است که : نماز هم مشتمل است بر ذکر زبانی از تهلیل، و حمد، و تسبیح، و هم به اعتباری دیگر مصداقی است از مصداق ذکر، چون مجموعه آن عبودیت بنده خدا را مجسم می سازد، و لذا خدای تعالی نماز را ذکر الله نامیده و فرموده : (اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله ) و هم به اعتباری دیگر امری است که ذکر بر آن مترتب می شود، ترتب غایت بر صاحب غایت، یعنی نتیجه نماز یاد خدا است، همچنان که آیه (و اقم الصلوة لذكری ) به آن اشاره می کند. و ذکر که گفتیم، غایت و نتیجه نماز است، ذکر قلبی است، البته آن ذکر که گفتیم به معنای استحضار است، یعنی استحضار یاد خدا در ظرف ادراک، بعد از آنکه به خاطر فراموشی از ذهن غایب شده بود، و یا به معنای ادامه استحضار است، و این دو قسم از ذکر بهترین عملی است که صدورش از انسان تصور می شود، و از همه اعمال خیر قدر و قیمت بیشتری دارد، و نیز از همه انحای عبادتها اثر بیشتری در سرنوشت انسان دارد، چون یاد خدا به این دو نوع که گفته شد، آخرین مرحله سعادت است که برای انسانها در نظر گرفته شده، و نیز کلید همه خیرات است.

و به هر حال از ظاهر سیاق آیه (و اقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر) بر می آید که جمله (و لذكر الله اکبر) متصل به آن است، و اثر دیگری از نماز را بیان می کند، و اینکه آن اثر، بزرگتر از اثر قلبی است، در نتیجه جمله (و لذكر الله اکبر) به منزله ترقی دادن مطلب است، و البته منظور از ذکر در آن جمله نیز همان ذکر قلبی است، که گفتیم از نماز حاصل می شود.

پس گویا فرموده: نماز بگزار تا تو را از فحشاء و منکر باز بدارد، بلکه آنچه عاید تو می کند بیش از این حرفها است، چون مهم تر از نهی از فحشاء و منکر این است که: تو را به یاد خدا می اندازد، و این مهم تر است، برای اینکه ذکر خدا بزرگترین خیری است که ممکن است به یک انسان برسد، چون ذکر خدا کلید همه خیرات است، و نهی از فحشاء و منکرات نسبت به آن فایده ای جزئی است.

البته این احتمال هم هست که مراد از (ذکر) همان اذکار زبانی نماز باشد، ولی در این صورت باز هم جمله مذکور در معنای ترقی است، چون معنای آیه این می شود: نماز بخوان، تا تو را از فحشاء و منکر باز دارد، بلکه همان اذکاری که در نماز است، و یا خود نماز، مهمتر از آن بازداری است، چون بازداری مذکور یکی از آثار نیک ذکر است، و به هر تقدیر کلمه (ذکر الله) بنا بر هر دو احتمال، مصدری است که اضافه به مفعول خود شده، و آن چیزی که ذکر الله از آن بزرگتر است عبارت است از نهی از فحشاء و منکر. (طباطبائی، همان، ذیل آیه ۴۵ سوره عنکبوت)

ی) «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ (احزاب: ۳۳) و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند.» در این آیه شریفه نیز سخن از روی گردانی از سنت‌های جاهلی و روی آوردن به ارزش‌های متعالی همچون نماز است. در

این آیه شریفه خدای متعال خطاب به زنان مومن آنان را از حضور با تجمل و آرایش و... در مجامع عمومی باز می دارد و به جای این سنت های غلط که مایه بروز گناهان و انحرافات جنسی می گردد، ارزش های متعالی و معنوی همچون نماز را پیشنهاد میدهد. به عبارت دیگر خداوند در صدد اصلاح این اندیشه است که زنان مسلمان به جای ارزش انگاری خود آرایی و حضور اغواگرانه در جامعه، ارزش های متعالی همچون نماز را ارزش بپندارند و خود را در این ارزش ها هضم نمایند و این امور معنوی را ارزش بدانند نه خودآرایی و جلوه گری نزد نامحرمان.

و «وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (فاطر: ۱۸) و نماز را برپا می دارند؛ و هر کس [از آلودگی ها] پاک شود به سود خود پاک می شود، و بازگشت فقط به سوی خداست.»

۲،۳-روایات:

الف) قال رسول الله (ص): مثل الصلوات الخمس كمثل نهر جار عذب على باب احدكم يغتسل فيه كل يوم خمس مرات فما يبقى ذلك من الدنس. (کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۹۳۱) نمازهای پنجگانه همانند نهر آب گوارائی جلوی درب خانه شماست چنانکه کسی هر روز خود را پنج بار در آن بشوید هیچگونه چرکی باقی نماند. (یعنی کسی هم که شبانه روز نمازهای پنجگانه را بخواند از آلودگیهای روحی پاک می شود).

این روایت به صراحت از تاثیر نماز بر پاکی انسان از آلودگی های گناه و معصیت سخن می گوید. پیامبر اکرم (ص) با تشبیه بسیار زیبا، نماز را به نهر آبی تشبیه می کند که اگر انسان پنج بار در روز در آب برود دیگر هیچ کثیفی و پلستی بر وی باقی نمی ماند؛ دقیقاً نماز های



پنجگانه نیز سبب طهارت انسان از زشتی‌ها، بدی‌ها و پلشتی‌ها و پلیدی می‌شود. با توجه به اینکه واژه «دنس» به طور مطلق ذکر شده است و هیچ قیدی برای آن بیان نشده است، این حذف متعلق دلیل بر عمومیت می‌گردد و انواع زشتی‌ها و پلیدی‌ها را شامل می‌شود. بر این اساس نماز سبب پاکی انسان از همه پلشتی‌ها و گناهان اعم از گناهان فردی و اجتماعی می‌گردد.

ب) قال رسول الله (ص): صلاة الرجل نور فی قلبه فمن شاء منكم فلينور قلبه (همان) نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس خواست، قلبش را نورانی کند. در این روایت نماز به «نور قلبی» تشبیه شده است. شاید اگر دقیقتر بنگریم در می‌یابیم «نور قلبی» اثر نماز محسوب می‌شود. بنابراین اثر نماز ایجاد «نور» در قلب انسان است. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که آیا انسان منور القلوب به سمت گناه می‌رود؟ کسی که دلش به نور ایمان منور گشته است دست به گناه اعم از فردی و اجتماعی می‌زند؟ البته باید توجه داشت این یک «اقتضاء» است. یعنی اقتضاء نورانیت قلبی، دوری از گناه است، لکن نباید هوای نفس و وسوسه‌های شیطان را دست کم و نادیده گرفت بلکه اگر عنایت الهی نباشد چه بسا انسان منور القلب نیز دچار خطا و گناه گردد. هر چند انسان منور القلب تحت عنایت و فیض ویژه‌ی الهی قرار می‌گیرد و مدد و یاری خداوند برای وی بیشتر از سایرین است.

ج) عن ابی عبد الله (ع) قال: من احب ان يعلم اقبلت صلاته ام لم تقبل، فلينظر هل منعه صلاته عن الفحشاء والمنكر؟ فبقدر ما منعه قبلت منه. (بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۸) کسی که دوست دارد بداند نمازش پذیرفته شده است یا نه؟ باید ببیند آیا نمازش او را از زشتیها و ناپاکی‌ها دور کرده است؟ پس به اندازه‌ای که دور کرده باشد همانقدر از نمازش پذیرفته شده است. در این روایت شریف امام صادق (ع) میزان قبولی نماز را بسته به میزان دوری

انسان از منکرات و گناهان مطرح می کند و می فرماید به عنوان یک شاخص هر چقدر از گناه دوری می کنید همان مقدار نماز شما مقبول درگاه احدیت واقع شده است. این روایت به صراحت از تاثیر نماز مقبول در دوری از گناه سخن می گوید و نماز بدون دوری از گناه و منکرات را نماز مقبول نمی پندارد. بر اساس این روایت مهمترین و اصلی ترین معیار نماز مقبول، دوری از فحشا و منکرات و گناهان است بنابراین مهمترین اثر نماز نیز اصلاح فرد و دوری او از ارتکاب گناه فردی و اجتماعی است.

#### ۴. آثار خانوادگی و اجتماعی نماز در آیات و روایات

##### نقش نماز در استحکام خانواده

خانواده یکی از نهادهای بسیار مهم و تأثیرگذار در اجتماع است. سلامت جامعه و استحکام آن، به استحکام و سلامت خانواده‌هایی وابسته است که آن اجتماع را تشکیل می دهند. خانواده مستحکم، باعث رشد استعدادهای فراوان انسان و از طرف دیگر، قوام و پایداری ارزش‌های اصیل انسانی در جامعه می شود.

چنین جامعه‌ای در برابر مشکلات اخلاقی، مصونیت پیدا خواهد کرد. بنابراین، اگر بخواهیم جامعه سالمی داشته باشیم، باید خانواده پایداری داشته باشیم.

در اسلام، «خانواده» یکی از آیات بزرگ خداست:

وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُوْنَ. (روم: ۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

از آنجا که خانواده از آیات خداوند است، هیچ‌گاه از بین نمی‌رود، ولی تضعیف و سست می‌شود. «مهم‌ترین عواملی که باعث اختلافات خانوادگی [می‌شوند] و بنیان خانواده را سست می‌کنند، عبارتند از: انتخاب‌های نادرست با ملاک‌های دنیوی و حاکمیت ندادن به ارزش‌های الهی و بی‌مهری، نداشتن و ابراز نکردن عاطفه، خودخواهی و تکبر، رعایت نکردن حقوق طرف مقابل، نداشتن احساس مسئولیت، ناسازگاری و بی‌صبری در ناملایمات، گناه و بی‌تقوایی و ...» (محمود گلزاری، «نقش نماز در استحکام خانواده» در: مجموعه مقالات نماز راهی به سوی کامیابی، صص ۱۰۹ - ۱۱۳).

با توجه به موارد ذکرشده، تأثیر نماز را در استحکام خانواده و از بین بردن مشکلات آن بررسی می‌کنیم. خداوند در قرآن می‌فرماید: وقتی از جهنمی‌ها می‌پرسیم چرا جهنمی شدید، می‌گویند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ...؛ می‌گویند ما از نمازگزاران نبودیم...». (مدثر: ۴۲)

پیامبر می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاءَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ خداوند، نور چشم مرا نماز قرار داده است». (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۷۳).

پس نماز باعث رشد شخصیت انسان می‌شود چون باعث دوری از انحرافات، بزهکاری و... می‌شود؛ چنان‌که در قرآن آمده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ».

همچنین درباره بی‌صبری انسان در ناملایمات و سختی‌ها در قرآن آمده است:

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ. (معارف: ۱۹ - ۲۳)

به راستی که انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد، عجز و لابه کند و چون خیری به او رسد، بنخل و رزد؛ غیر از نمازگزاران؛ همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند.

بنابر آیات فوق می‌توان گفت نماز، انسان را در مقابل ناملایمات، مقاوم بار می‌آورد.

بنابراین، انسان، به وسیله نماز می‌تواند از جنبه‌های مختلف، بنیان خانواده را تقویت، و از مشکلات زندگی جلوگیری کند. در ادامه به بررسی نقش نماز در تقویت بنیان خانواده می‌پردازیم.

### انسجام و همدلی در خانواده

یکی از عواملی که خانواده را پایدار می‌سازد و حیات آن را استمرار می‌بخشد، وجود انسجام در خانواده است. هر اندازه هم‌سویی در آن بیشتر باشد و همدلی در آن قوت گیرد، خانواده منسجم‌تر خواهد بود. برای تحقق انسجام، خوب است نماز به جماعت برگزار شود. نماز جماعت، فاصله‌ها را در خانواده از بین می‌برد و همه افراد را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. پدر و مادر و فرزندان همه با هم رو به قبله نماز می‌خوانند. بعد از نماز نیز دستان یکدیگر را می‌فشارند و همه برای قبولی نماز یکدیگر دعا می‌کنند. این اعمال باعث انسجام معنوی در خانواده و انسجام معنوی، باعث دوام و بقای آن می‌شود. در نتیجه، زوجین طلاق را مبعوض‌ترین حلال‌ها می‌دانند و برای اندک اختلافی از هم جدا نمی‌شوند. (محسن ایمانی،

«آثار و پی‌آمدهای ارزشمند نماز در خانواده»، در: مجموعه مقالات نماز و خانواده، شانزدهمین اجلاس سراسری نماز، صص ۱۲۳ - ۱۲۵ (خلاصه شده).

حتی اگر نماز به جماعت هم برپا نشود، پابندی اعضای خانواده به نماز و لوازم آن، موجب انسجام و همدلی بین اعضا خواهد شد.

### کم شدن گناه و بسته شدن راه‌های حرام

اگر نماز در خانواده، همیشگی و نهادینه باشد، فحشا و منکر امکان رشد نمی‌یابد؛ چه اینکه قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». (عنکبوت: ۴۵) اگر فردی از اعضای خانواده گناهی مرتکب شود، هم از طریق قدرت بازدارنده نماز و هم از طریق قدرت اتحاد و همدلی در خانواده، آن گناه از بین می‌رود.

۱. از سوی دیگر، خانواده‌های مقید به نماز به دلیل پابندی به اقامه نماز، همواره سعی می‌کنند از ارتباطات ناسالم و گفت‌وگوهای نابه‌جا خودداری کنند. برای نمونه، چون می‌دانند نماز کسی که غیبت مسلمانی را کرده است یا با مسلمانان بدرفتاری کند، میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۹۸. قبول نمی‌شود. می‌کوشند از غیبت، قهر و دشمنی... پرهیزند.

### تأمین بهداشت روانی خانواده

امروزه بسیاری از روان‌شناسان دریافته‌اند که دعا و نماز و ایمان استوار، اضطراب و افسردگی و نگرانی را که زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌هاست، برطرف می‌سازد. خداوند می‌فرماید: «... أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ...؛ آگاه باش که دل‌ها با یاد خدا آرامش می‌گیرد.» (رعد: ۲۸) و «وَمَنْ

أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا؛ و هر کسی از یاد من روی بگرداند، پس او زندگی سختی خواهد داشت». (طه: ۱۲۴)

در قرآن، بارها بین ایمان به خداوند و آرامش روح و روان پیوند برقرار شده و مسلم است کسی که از آرامش روحی بهره‌مند باشد، از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی برخوردار است. نماز از جمله اموری است که موجب آرامش روحی می‌شود؛ «چراکه توجه و خشوع که از شرایط مهم نماز است، وسیله‌ای برای پژوهش و تمرین حضور ذهن می‌باشد و آرامش باعث رهایی از اضطراب‌ها و موجب سلامت روان است». (نسرین خیاطی، «بررسی اثربخشی نماز در ارتقای بهداشت خانواده»، در: مجموعه مقالات نماز در سیمای خانواده، ص ۹۵).

همچنین تحقیقات متعدد روان‌شناسان (همان، ص ۹۷). نشان می‌دهد که حالت روانی انسان، با بازگو کردن مشکلات در حضور یک دوست صمیمی یا روان‌شناس، رو به بهبود می‌رود. بنابراین، اگر انسان مشکلات خود را با خدا بازگو کند و پس از نماز به مناجات با پروردگار بپردازد و از درگاه او طلب یاری کند، حالت روانی او بسیار بهبود می‌یابد.

پس یکی از راه‌هایی که بشر می‌تواند به کمک آن، از ابتلا به بیماری‌های روانی جلوگیری کند، نماز و نیایش است و از آنجا که سلامت روانی بر جسم انسان تأثیر مثبت می‌گذارد، نماز باعث سلامت جسمانی نیز می‌شود. وقتی اعضای خانواده در هر دو بُعد جسم و روان از سلامت برخوردار باشند، فضای خانواده نیز سالم خواهد بود؛ زیرا نیازهای اساسی روانی همچون نیاز به امنیت و محبت و نیاز تعلق به جمع تأمین می‌گردد و در پرتو آنها فضای خانواده از سلامت و امنیت عاطفی برخوردار می‌شود. برآورده شدن این نیازها موجب سلامتی جسم انسان‌ها می‌گردد و نماز و عبادت، مهم‌ترین منشأ تأمین این نیازها خواهد بود. (آثار و پی‌آمدهای ارزشمند نماز در خانواده»، ص ۱۲۷).

## تضمین سلامت اقتصادی خانواده

کسی که نماز می‌خواند، مراقب است مال حرام به خانه نیاورد. در نتیجه، اعضای چنین خانواده‌ای در سایه یک اقتصاد حلال و سالم و پاکیزه، از عوارض و مشکلات مال حرام در زندگی خویش مصون می‌مانند و با رضایت و قناعت، زندگی را سپری می‌کنند و راه زیاده‌خواهی و طمع را به روی خود می‌بندند.

## رسیدن به تعالی و سعادت

از نظر اسلام تنها عامل تعالی و سعادت انسان، توجه قلبی و درونی به خداست. همه رذایل اخلاقی و مشکلات خانوادگی، ناشی از غفلت از یاد خدا و پرداختن به مسائل دنیوی است.

یکی از راه‌های ذکر و یاد خداوند، خواندن نماز است. نماز باعث سعادت و تعالی انسان می‌شود و زمینه را برای رستگاری و دور شدن از مشکلات و کشمکش‌های زندگی فراهم می‌سازد. خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ...» (مؤمنون: ۱ و ۲)

«فارابی، هدف مطلوب از زندگی انسان را دست یافتن به سعادت دانسته و معتقد است این امر در مدینه فاضله و در اثر زندگی در آن محقق می‌گردد. او سعادت را در گرو بندگی خدا... و رهبر مدینه فاضله را نبی یا فیلسوف می‌داند که هر دو با عقل فعال (جبرئیل) در تماس هستند. نبی با قوه متخیله خود و فیلسوف با عقل خویش با وی در تماس می‌باشند؛ اما آنچه آدمی را به سرمنزل مقصود سعادت می‌رساند، اطاعت از رهبر مدینه، عبادت و اطاعت از خداوند است و اگر انسان‌ها چنین کردند، به تعالی می‌رسند و مدینه آنان نیز مدینه فاضله خواهد بود و در غیر این صورت، آنان به سعادت و تعالی دست نخواهند یافت.» (همان.)

حال سؤال این است که چگونه نماز باعث سعادت انسان می‌شود؟ اگر انسان به فضیلت و ثواب نماز و عبادت خدا آگاهی داشته باشد و بر شهوات و خواهش‌های نفسانی خویش غلبه کند، به سعادت دست خواهد یافت. «همچنین وقتی انسان در طول نماز همواره با خداوند راز و نیاز می‌کند و سخن می‌گوید، در واقع، بخش بیشتر عمر خود را با خداوند سپری کرده و به ذکر او مشغول بوده است. پس اگر همه اعضای خانواده این مراحل را طی کرده باشند، می‌توان گفت آن خانواده اعتلا یافته [است] و متعالی شده است». (همان، ص ۱۲۸).

### مروج دین و اخلاق فرزندان

والدین در انجام عبادت، نقش الگو را برای فرزندان خود دارند. وقتی پدر و مادر، خدا را عبادت کنند، فرزندان نیز از آنها الهام می‌گیرند و اغلب در همان راه قدم می‌گذارند. تحقیقات نشان داده است در خانواده‌هایی که والدین نماز می‌گزارند، فرزندان آنها بیشتر به عبادت و نماز روی می‌آورند و در خانواده‌هایی که کمتر نماز می‌خوانند، فرزندان نیز نسبت به نماز کاهلند.

فرزندان همواره در حال همانندسازی از رفتار والدین خود هستند. بنابراین، والدین برای اینکه الگوی شایسته باشند، باید:

۱. خود عامل به نماز باشند. عامل بودن والدین به نماز، روش غیرمستقیم آموزش نماز به فرزندان است. وقتی پدر و مادر، خود، نماز نمی‌خوانند یا امور مادی را بر نماز ترجیح می‌دهند و نماز را در اول وقت نمی‌خوانند، نمی‌توانند الگوی مناسب برای فرزندان باشند.

۲. معارف و احکام نماز را با برنامه‌ریزی درست و بدون سخت‌گیری به فرزندان آموزش دهند.



۳. فطرت دینی را در فرزندان بیدار سازند و آنان را متوجه خدا کنند. (با زبان ساده و درخور فهم کودک)

۴. به روحیات و احساسات فرزندان توجه کنند؛ زیرا احساسات و روحیات فرزندان، متفاوت است. والدین در آموزش نماز باید به این امر توجه کنند تا نظر مثبتی نسبت به نماز در آنان ایجاد شود.

۵. نماز را در زمان و مکان مناسب آموزش دهند و مانع بازی و تفریح فرزندان نشوند.

۶. سعه صدر داشته باشند و با صبر و حوصله، فرزند خود را در نماز خواندن یاری کنند. حسین بافکار، «شیوه‌های آموزش و جذب فرزندان به نماز با تأکید بر نقش الگویی»، در: مجموعه مقالات نماز و سیمای خانواده، صص ۱۳۶ - ۱۵۲، (خلاصه شده).

می‌توان گفت نماز از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای بازدارنده انسان از مشکلات دنیوی و اخروی است. بنابراین، لازم است والدین که اصلی‌ترین الگوهای عملی فرزندان هستند، از نماز برای مقابله با سردرگمی‌ها و انحرافات خود و فرزندان بهره‌گیرند؛ زیرا فرزندان، مهم‌ترین امانت‌های الهی هستند که به پدر و مادر سپرده شده‌اند. اگر به راه راست بروند، به سعادت و نیک‌بختی می‌رسند و اگر به شر روی آورند، هلاک می‌شوند و پدر و مادر نیز در سرنوشت آنان سهیم خواهند بود. بنابراین، پدر و مادر برای اینکه بتوانند نقش الگویی خود را در آموزش نماز به صورت شایسته انجام دهند، لازم است هم عامل به نماز باشند و هم دانش و منش تربیتی لازم برای آموزش و استفاده از آن را در عمل داشته باشند تا زمینه شکوفایی فطرت دینی فرزندان فراهم شود و به نماز روی آورند.

نماز و برپا داشتن آن در فضای خانه، خانواده را در بسط و توسعه فرهنگ دینی کمک می‌کند.

نمازگزار باید با احکام نماز آشنایی کامل داشته باشد تا بتواند این فریضه را به درستی انجام دهد. فرزندان برای افزایش اطلاعات خود در مورد نماز، از والدین سؤال می‌پرسند و والدین هم باید بر رفتار عبادی فرزندان نظارت کنند تا آنان را در اقامه بهتر نماز یاری کنند. والدین ضمن تشویق فرزندان، گاه خطاهای آنان را نیز تذکر می‌دهند و به فرزند برای شناخت بیشتر نماز کمک می‌کنند. به این ترتیب، فضای بحث و گفت‌وگو درباره نماز و نیز دیگر مسائل دینی فراهم می‌شود. اگر والدین پاسخ‌های مناسبی به فرزندان خود بدهند، فرهنگ نماز خواندن گسترش می‌یابد و بر میزان دانش و درک دینی فرزندان افزوده می‌شود. در برخی موارد، والدین اطلاعات کافی برای پاسخ به سؤالات فرزندان ندارند که در این صورت، باید با افزایش میزان مطالعه، فرهنگ دینی را در خانواده گسترش دهند. (آثار و پی‌آمدهای ارزشمند نماز، صص ۱۲۸ و ۱۲۹).

### نقش نماز در حل مشکلات اجتماعی

نماز علاوه بر آثار فردی، دارای آثار اجتماعی است که گاهی بیش از ابعاد فردی آن است. برای نمونه، اجتماعی که در آن افراد نماز می‌خوانند، کمتر در معرض انحراف قرار می‌گیرد؛ چراکه نماز باعث کنترل درونی نمازگزار می‌شود و در نتیجه، افراد به حقوق هم احترام می‌گذارند. به این ترتیب، امنیت و نظم اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود که خود باعث کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد. همچنین احساس مسئولیت افراد در مقابل یکدیگر و پاسخ به موقع به ارباب رجوع، ارتباط عاطفی و صمیمی را به دنبال خواهد داشت و با تحقق این نوع برخورد در محیط‌های کاری و زندگی، جامعه از امنیت نسبی برخوردار می‌گردد. در نتیجه، اعتماد همگان به یکدیگر جلب می‌شود که این امر موجب افزایش مشارکت و همکاری خواهد شد. با ذکر این مقدمه، تأثیر نماز را در حل مشکلات اجتماعی بررسی می‌کنیم.

## ۱. کم شدن آثار جرم و جنایت (مفاسد اجتماعی)

وقتی انسان در نماز قصد قربت می‌کند و تکبیره الاحرام می‌گوید، به خداوند نزدیک می‌شود و این نزدیکی به خدا مانع نزدیکی انسان به شیطان می‌شود. علی (ع) می‌فرماید: «الصلاة حصن من سطوات الشیطان؛ نماز پناهگاهی در برابر وسوسه‌های شیطان است» (الصلاة فی الکتاب و السنه، ص ۱۱۲)

نماز، ذکر خداوند است و در واقع، زنگ خطری است که انسان را از غفلت بیرون می‌آورد. «الذین هُم عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ آنان کسانی هستند که از نمازشان غافلند». (ماعون: ۴ و ۵) به همین دلیل، مانع ارتکاب گناه و افتادن در منجلاب فساد می‌شود.

کسی که تنها از خداوند کمک می‌خواهد و در نماز خود می‌گوید «ایاک نستعین»، بندگان خدا را با غیبت و تهمت و بدزبانی آزار نمی‌دهد و برای رسیدن به مقام، به ارزش‌ها پشت پا نمی‌زند، بلکه سعادت و خوشبختی را در تقرب به خدا و خدمت به خلق خدا می‌داند.

چنین فردی با گفتن «حی علی الخیر العمل» ضمن اینکه نماز را بالاترین عمل می‌داند، عبادت را فقط در رکوع و سجود نمی‌بیند، بلکه عبادت را کار خیر، عمل صالح و کمک به هم‌نوعان هم می‌شمارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید تا رستگار شوید». (حج: ۷۷)

نمازگزار واقعی تمام شدن نماز را وداع با خداوند نمی‌داند، بلکه همیشه او را ناظر و حاضر بر اعمال خود می‌بیند. پس سعی می‌کند برای خشنودی خداوند، در اجتماع و در برخورد با دیگران، بهترین اعمال را انجام دهد. با توجه به اینکه طبق آمار بیشتر مجرم‌ها بی‌نمازند. امام خمینی رحمه الله درباره اثر بازدارندگی و اصلاحی نماز می‌فرماید:

شما پرونده‌هایی که در دادگستری‌ها و دادگاه‌هاست بروید و ببینید آیا از نمازخوان‌ها پرونده هست؟ هرچه پرونده پیدا کنید، پرونده بی‌نمازهاست. کسانی که به مراکز فساد کشیده شده‌اند، بی‌نمازها هستند. نمازخوان‌ها در مساجدند و می‌آیند برای خدمت و...؛ یعنی نماز به خودی خود، مانع اخلاقی و وجدانی برای فرد به وجود می‌آورد و مانع می‌شود که انسان سراغ فساد برود.

همچنین امام رحمه الله در جای دیگر می‌فرماید: «نماز یک کارخانه انسان‌سازی است». این جمله نشان‌دهنده کارکردهای اصلاحی و هدایتی نماز در اصلاح جامعه است.

## ۲. نماز مانع سردرگمی‌های اجتماعی

جامعه از مجموعه نهادها یا نظام‌های مختلف مثل ورزش، خانواده، اقتصاد و سیاست تشکیل می‌شود. در جامعه مذهبی، نهاد دین در رأس نهادها قرار دارد و جهت‌دهنده دیگر نهادهاست. یعنی وقتی جامعه دینی شد، اقتصاد، سیاست، ورزش و خانواده، دینی خواهد شد.

فرد نمازگزاری هم که در آن جامعه زندگی می‌کند، دارای اخلاق و تربیت دینی خواهد شد. در واقع، دین باعث می‌شود همه با گفتن لا اله الا الله زیر پرچم «توحید» جمع شوند و اهداف یکسانی را دنبال کنند که این، مانع سردرگمی اجتم. نماز باعث کنترل درونی افراد

وقتی افراد جامعه به صورت غیررسمی، هنجار (قواعد اجتماعی) را رعایت کنند، نیاز کمتری به کنترل رسمی (پلیسی) خواهد بود. این امر باعث پایین آمدن هزینه‌های اقتصادی می‌شود در نهایت، به رشد اقتصادی می‌انجامد.

بنابراین، یکی دیگر از آثار اجتماعی نماز، کنترل درونی نمازگزار است. «اسلام می‌گوید جایی که در آن نماز می‌خوانی، آبی که با آن وضو می‌گیری، لباسی که نماز می‌خوانی و... باید مباح باشد؛ یعنی حرام نباشد. اگر یک نخ غصبی هم در لباس تو باشد، این عبادت پذیرفته نیست. اینجاست که عبادت با حقوق توأم می‌شود؛ یعنی خداوند می‌گوید: من پرستشی را که در آن حقوق اجتماعی، محترم نباشد، قبول ندارم. لذا یک نمازگزار وقتی می‌خواهد نماز بخواند، اول فکر می‌کند این خانه‌ای که من در آن هستم، فرش زیر پا، لباس و... را چگونه تهیه کرده‌ام...» (طهارت روح (نماز و عبادت در آثار شهید مطهری، صص ۸۳)

بنابراین، نمازگزار همواره حقوق دیگران را محترم می‌شمارد و به قوانین احترام می‌گذارد. در نتیجه، در پرتو نماز، امنیت و نظم اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود، ناهنجاری‌ها و جرایم بسیار کاهش می‌یابد و نیاز به کنترل پلیس نیز کمتر خواهد بود.

### ۳. نماز موجب حمایت‌های اجتماعی نمازگزاران از یکدیگر

نماز باعث گسترش حمایت‌های اجتماعی نمازگزاران از یکدیگر می‌شود. این حمایت‌ها فقط به بعد مادی مانند کمک به نیازمندان و فقرا خلاصه نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلف عاطفی، معرفتی و منزلتی دارد. هرچه این ابعاد گسترش یابد، میزان استثمار و بهره‌کشی و ناامیدی و خودکشی، یعنی محرومیت‌های اجتماعی در جامعه کمتر می‌شود. این نوع حمایت‌های اجتماعی، باعث می‌شود افراد نیازمند فرصتی دوباره بوده و از استعداد‌های خاص و منحصر به

فرد خود استفاده کنند و چه بسا در آینده بتوانند خود با عمل خیر، از دیگران حمایت کنند. (همان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵). (خلاصه شده) در واقع، دین اسلام با اهمیت دادن به حمایت‌های اجتماعی سعی دارد آن را به صورت یک وظیفه و عادت اجتماعی درآورد.

## ۵.۰۰ ایجاد روحیه امید و نشاط در افراد جامعه

الف) می‌توان گفت یکی از عوامل مهم ناامیدی و بی‌نشاطی حرص و بی‌صبری است که بر اساس آیات قرآن راه درمان آن نماز است.

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ.» (معارج: ۱۹ - ۲۲)

انسان وقتی در مقابل خداوند به نماز می‌ایستد از تمامی اشتغالات و مشکلات دنیا روی می‌گرداند و تمام حواس خود را متوجه خداوند می‌کند در نتیجه حالتی از آرام‌سازی کامل و آرامش و نشاط در انسان ایجاد می‌گردد. آقای قرائتی در این باره می‌گوید: «آنچه موجب نشاط روح در عبادت می‌شود و عابد از پرستش خود لذت می‌برد، عشق به الله و شوق گفت‌وگوی با اوست.» (راز نماز، ص ۱۸).

عبادت‌های بی‌حال و از روی کسالت و سستی نشانه نداشتن شور و شوق نیایش با پروردگار است. چنان که در دعا می‌خوانیم: «و اجعل نشاطی فی عبادتک؛ خداوند! نشاط مرا در عبادت خود قرار بده.» (دعای هفتم از مناجات‌نامه ختمه عشره).

آنان که از عبادت لذت نمی‌برند مانند بیماری هستند که از غذای لذیذ لذت نمی‌برد. اگر نماز همراه با شوق و نشاط باشد دیگر نیازی به تبلیغ و تشویق نیست، بلکه انگیزه درونی انسان را به عبادت وامی‌دارد و از عبادت و خواندن نماز به وجد و نشاط آمده و به آرامش می‌رسد؛ به

طوری که قرآن می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ همانا با یاد و ذکر خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد». (رعد: ۲۸). بنابراین ذکر و یاد خدا باعث آرامش و در نتیجه امید و نشاط در انسان می‌شود.

ب) یکی دیگر از عوامل ناامیدی و بی‌نشاطی، وجود گناهان است. گاهی انسان به دلیل ارتکاب به خطا و گناه همواره خودش را سرزنش کرده و دچار عذاب وجدان می‌شود، در واقع احساس یأس و ناامیدی می‌کند، که در این گونه موارد نماز بهترین درمان است، زیرا نمازها خصلتی هستند که بدی‌ها را می‌شویند و گناهان را می‌زدایند به طوری که قرآن می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ...؛ در حقیقت به وسیله نماز شخص از خدا به خدا پناه می‌برد و به لطف و رحمت او امید می‌بندد». (هود: ۱۱۴).

همچنین مفسران ذیل این آیه گفته‌اند، چون این آیه از بین رفتن سیئات را به وسیله حسنات مژده داده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را امید بخش‌ترین آیه قرآن معرفی کرده‌اند، بنابراین می‌توان گفت در نماز چون انسان به یک قدرت مافوق نزدیک شده و تحت حمایت او قرار گرفته، همین باعث کاهش یأس و ناامیدی و تقویت اعتماد به نفس و امیدواری در زندگی می‌گردد. (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۷۰).

## ۶. نماز باعث از بین رفتن امتیازات کاذب بین افراد

«نماز همه فاصله‌ها و امتیازات کاذب بین افراد را از بین برده و همگان را در ردیف موجود مکلف در مقابل هموعان و جهان هستی قرار می‌دهد.» (اصلائی، پیامدهای فردی و اجتماعی نماز (مجموعه مقالات)، ص ۱۶۴). یعنی در نماز ثروت و دارایی و قدرت، عامل جلب و جذب افراد نیست و همه دارای شأن و مقامی یکسان هستند و به عبارت دیگر امتیازات پوچ

و اعتباری در میان نمازگزاران جایی ندارد. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ). این امر باعث می‌شود «افراد در روابط اجتماعی به هم بیشتر اعتماد کنند و دوستی بین آنان گسترش یافته و دشمنی‌ها کاهش یابد، در نتیجه زمینه برای پیدایش و گسترش، احزاب و گروه‌های ضد دینی از بین رفته و همین امر باعث توسعه اجتماعی می‌شود.» (نماز و جامعه‌شناسی، ص ۱۵۵)

## ۷. عامل وحدت و یکپارچگی

«نماز بهترین راه برای ایجاد وحدت و اتحاد بین مسلمانان به شمار می‌آید، در نماز ذکرها، آداب و قبله مشترک خود باعث بسیاری از نزدیکی‌ها و اتحاد مسلمین می‌شود.» (پيامدهای فردی و اجتماعی نماز (مجموعه مقالات)، ص ۱۶۳). حرکت جمعی افراد به سوی مساجد و شرکت در نمازهای جمعه و جماعت و کنارگزاردن هر گونه امتیازات، قرار گرفتن سپاه، سفید، فقیر، غنی و... در یک صف و دل به خدا سپردن و رو به یک قبله مشترک نمازخواندن مؤثرترین راه وفاق و اتحاد بین افراد جامعه اسلامی است. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به اطاعت [خدا] در آید...» (بقره: ۲۰۸). «خداوند در این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر خدا دعوت می‌کند، چرا که ایمان به خدا و تسلیم در برابر او، نقطه وحدت جامعه انسانیت و رمز ارتباط اقوام و ملت‌هاست و نمونه عینی آن را می‌توان در مراسم حج و نمازهای جمعه و جماعت مشاهده کرد.» (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸۲).

حج (نماز و آرامش بیشتر در عرصه اجتماع: یکی از مواردی که موجب بروز ناهنجاری‌هایی در عرصه حیات اجتماعی و اقتصادی می‌شود عدم وجود آرامش و رفتارهای مبتنی بر عصبانیت و استرس‌های محیطی است. بسیاری از کسانی که در زندان‌ها به دلیل وارد آوردن ضرب و جرح به سایرین به سر می‌برند؛ اغلب اظهار می‌دارند که یک لحظه عصبانی شدند و اختیار



خود را از دست دادند. مؤمن با نماز خود با برون‌ریزی هیجانی خود و با تخلیه ناپاکی‌ها و افکار منفی، گامی به سوی پالایش روانی خود برمی‌دارد و پالایش روانی یک نتیجه مشخص دارد و آن سلامت روحی و روانی فرد است. خداوند متعال حکیم است و حکیم کارهای خود را از روی حکمت و تدبیر انجام می‌دهد و در تشریح نماز هم رازهایی است که به تمام آنها نمی‌توان پی برد، ولی با توجه به روایات و قرآن کریم می‌توان به بعضی از آنها رسید. مهم‌ترین رازهای عبادی همان طهارت ضمیر است که انسان جاننش را از هر چه غیر خداست، پاک می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۱). کسی که دلش با یاد خدا مطمئن و محکم است، آرامش روحی و روانی دارد و هیچ هراسی از غیرخدا ندارد و امیدوار و آرام است؛ چون متکی به قدرت و عظمت الهی است و انوار الهی در درونش رسوخ کرده و یاد خدا عامل آرامش او شده است. بنابراین دیگر مفاسدی همانند گران‌فروشی، کم‌فروشی، رشوه، ظلم و ستم و... در درونش جایی ندارد. قرآن کریم درباره یکی از اسرار نماز می‌فرماید: «همانا انسان حریص آفریده شده است؛ وقتی شری به او برسد، فریاد می‌کشد و جزع می‌کند و هر گاه خیر و نعمتی به او برسد؛ بخل می‌ورزد، مگر نمازگزاران که ایتان، افرادی هستند که بر نماز خویش مداومت می‌کنند و به آن اهمیت می‌دهند». (معارج: ۲۲). جوادی آملی می‌فرماید: «این‌ها طبیعت را کوبیده‌اند و فطرت را احیاء کرده‌اند و خاصیت نماز احیای فطرت است». (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

نقش نماز در حل مشکلات فرهنگی و اقتصادی

نقش نماز در حل مشکلات فرهنگی

پیش از پرداختن به آثار فرهنگی نماز، برای روشن شدن مطلب باید ابتدا «فرهنگ» را تعریف کنیم. «فرهنگ» در لغت به معنای ادب، تربیت، پرورش، عقل و خرد، فضل، بزرگی، علم،

دانش و هنر است. (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل کلمه فرهنگ). «فرهنگ» در اصطلاح، «شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت می شود که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد و در قبال آن تعهداتی را بر عهده دارد.» (مژگان حق پناه، «توسعه فرهنگی در جامعه ایرانی»، ص ۱). با توجه به تعاریف یادشده می توان گفت یکی از راهها و شاید بهترین راه تمایز دو جامعه، فرهنگ آن جوامع است که از مجموعه فرهنگی مانند عبادت، ازدواج و خانواده تشکیل شده است. عاملی که تفاوت فرهنگی را ایجاد می کند، همین اجزاست. اگر این هنجارها از جانب قدرتی برتر یعنی خداوند وضع شود، ثبات و دوام بیشتری دارد و دایمی خواهد بود. از جمله این هنجارها، عبادت و نماز است که دوام و ثبات این هنجارها قدرت بیشتری به فرهنگ جامعه می بخشد؛ یعنی در سابقه فرهنگی بین جوامع، جوامع دارنده فرهنگ مذهبی، قدرت بیشتری دارند، مانند جوامع اسلامی صدر اسلام یا جامعه ایران امروزی.

با این مقدمه، می خواهیم بدانیم نماز چه تأثیری بر فرهنگ دارد و در حل مشکلات فرهنگی چه کمکی می تواند به ما کند. از آثار فرهنگی نماز، می توان به جلوگیری از فقر فرهنگی و تهاجم فرهنگی اشاره کرد که در ادامه، هر کدام را توضیح می دهیم.

#### الف) نماز، مانع فقر فرهنگی

یکی از مشکلات فرهنگی جوامع، «فقر فرهنگی» است. منظور از فقر فرهنگی، تهی دستی مردم در مسائل فرهنگی است؛ مانند ناآشنایی با مسائل دینی که عنصر مهم فرهنگ است. از نظر امیر مؤمنان، علی علیه السلام، «فقر فرهنگی»، سخت ترین و بدترین نوع فقر است؛ (اکبر

غاربی کلخوران، درآمدی بر توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۳۸). چنان که فرمود: «هیچ فقری مانند نادانی نیست». (غرر الحکم، ج ۱، ص ۸۲، ح ۳۰۸).

فقر فرهنگی و ناآشنایی با مسائل دینی باعث آسیب‌پذیری فرهنگی و دینی می‌شود. عواملی که باعث ایجاد فقر فرهنگی و در نتیجه، آسیب‌پذیری فرهنگی می‌شوند، عبارتند از: ضعف اقتصادی، (نک: روم: ۱۰). فراموشی خدا، (نک: روم: ۳۳). ظاهرسازی و ریا، (نک: ماعون: ۴ - ۶). دین‌گریزی، (نک: فاطر: ۵). خودبزرگ‌بینی (نک: نساء: ۹۷) و بی‌توجهی به آیات قرآن (نک: نحل: ۹۵). حال بینیم نماز جماعت چگونه مانع فقر فرهنگی می‌شود.

اسلام، دین مردم و دین جمع و جماعت است. مبنای پیروزی نیز در جمع و همراهی با جماعت است: «یدالله مع الجماعة» (کنز العمال، ج ۷، ص ۵۵۸). با هم بودن مسلمانان و به فکر هم بودن، آنان را به یکدیگر پیوند می‌دهد تا با مسائل همدیگر آشنا شوند، به طوری که هر یک از آنان، مسائل و مشکلات دیگران را مشکل خود بدانند و درصدد حل آن برآید. همچنین در نماز جماعت، چون امام جماعت باید از نظر علم و آگاهی و عمل و تقوا و عدالت، برتر از دیگران باشد، نماز گزاران علاوه بر برخورداری از آثار معنوی نماز جماعت، از علم و آگاهی امام جماعت نیز می‌توانند بهره ببرند. (محمد اسماعیل نوری، نماز جماعت و برکات آن، ص ۱۱).

پرسش و پاسخ در میان دو نماز، مشورت افراد با امام جماعت و سخنرانی امام جماعت به مناسبت‌های مختلف (به ویژه اگر علمش به روز باشد) باعث می‌شود اطلاعات دینی افراد افزایش یابد. علاوه بر این، افراد با حضور در مساجد و دیدار با یکدیگر، از طریق تبادل اطلاعات بر علم و آگاهی خود می‌افزایند. بنابراین، نماز جماعت می‌تواند عامل مهمی برای از بین بردن فقر فرهنگی باشد.

## ب) نماز، مانع تهاجم فرهنگی

جامعه اسلامی مبتنی بر آموزه‌های تربیت دینی - مذهبی است و افراد تربیت یافته در این جامعه، با دستورهای الهی پرورش می‌یابند. از این رو، تحت تأثیر فرهنگ غیرمذهبی قرار نمی‌گیرند یا کمتر آسیب می‌بینند. به عبارت دیگر، اعتقادات، باورها و ارزش‌های آنان همچون سدی در برابر فرهنگ بیگانه و تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد. البته اگر فرهنگ ثابت و پایدار نداشته باشند، هر لحظه در معرض لغزش و تهاجم فرهنگی خواهند بود. حال می‌خواهیم بدانیم چگونه نماز مانع تهاجم فرهنگی می‌شود. در جواب می‌توان گفت:

۱. نمازگزار با گفتن «الله اکبر»، خداوند را بالاترین قدرت‌ها می‌داند و هر قدرت غیرخدایی را طرد می‌کند. بنابراین، دیگر قدرت‌های فرهنگی و نظامی و امواج ماهواره و اینترنت، نمی‌توانند به مذهب او ضربه بزنند.

۲. با گفتن «اشهد ان لا اله الا الله» در اذان و اقامه، تمام «اله‌های» دروغین همچون شیطان و نیز مظاهر شیطانی محل فرهنگ و عقاید بیگانگان، نفی می‌شوند.

۳. با گفتن «غیر المغضوب» از خداوند می‌خواهیم ما را به راه راست هدایت کند، نه راه گمراهان که این به معنای رد فرهنگ‌های بیگانه است.

۴. خواندن نماز و توکل به خداوند، به عمل انسان نمازگزار، جهت می‌دهد. در آن صورت می‌توانیم به تعبیر قرآن، بین اعمال صالح مردم و حوادث روزگار، از جمله بارش باران بر اثر نماز فرد نمازگزار (نماز استسقاء) رابطه مستقیمی بیابیم. به بیان دیگر، انسان با خواندن نماز واقعی و انجام اعمال صالح، آنقدر به خداوند نزدیک می‌شود که خداوند به دلیل عمل صالح فرد، حاجت‌های بزرگ مانند بارش باران را مستجاب می‌کند.

نماز، تقویت باورهای دینی و مذهبی، ناهنجاری‌ها و فرهنگ بیگانه را رد می‌کند.

۵. نماز نشان‌دهنده فرهنگ و سبک زندگی خواهد بود و باعث می‌شود زیر بار زور نرویم، چاپلوسی نکنیم، خیرخواه دیگران باشیم، خدا را ستایش، و با قدرت‌های غیرخدایی مبارزه کنیم و تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار نگیریم.

۶. نمازگزار با گفتن «اهدنا الصراط المستقیم» برای خود هموعانش هدایت را طلب می‌کند. در واقع با دعای خود به دیگران احسان می‌کند که این نشان‌دهنده حس نوع‌دوستی و دگرخواهی و دعا برای دیگران است. لذا با تکرار این دعا در نماز روزانه فرهنگ «ایثار و انفاق» در انسان تثبیت و پرورش می‌یابد.

## ۲. نقش نماز در حل مشکلات اقتصادی

نماز مهمترین عبادتی است که مستلزم پاکیزگی و اجتناب از بسیاری محرمات می‌باشد و چنانچه نمازگزار حق نماز را ادا کند و شرایط و لوازم آن را رعایت کند، از او انسانی پاکیزه، منظم، پایبند به اصول اخلاقی، گریزان از مفاسد اجتماعی و اقتصادی آماده برای همکاری و همراهی با دیگر افراد جامعه ساخته خواهد شد و وجود این‌گونه انسان‌ها لازمه وجود جامعه سالم و سلامت اقتصادی است.

الف) اقامه نماز و پیشگیری از مفاسد اقتصادی (از جهت محتوای نماز)

نماز به عنوان مهمترین عبادتی که با انجام مناسک همراه است در مجموع و تمامیت خود دارای مفهوم و معنایی است و هر یک از اجزاء، اعمال و اذکار تشکیل‌دهنده آن نیز معنایی دارد معنی کلی نماز را باید در آیات قرآن کریم و کلمات منقول از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام جستجو کرد. درک معنی هر یک از اجزاء نماز نیز نیازمند

توجه عمیق به محتوای اذکار و حالات نمازگزار از قیام و قعود و رکوع و سجود و تشهد و سلام است.

معنی و محتوای کلی نماز راز گفتن انسان با پروردگار و حضور در محضر او، راز شنیدن از او و مشاهده جمال حق تعالی است. در این باره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «اعبدالله کانک قراه فان لم تکن تراه فانه یراک».

انسانی که خود را پنج بار در طول شبانه روز در محضر خدا ببیند و با او راز و نیاز کند، مرتکب عمل ناپسند نخواهد شد. حق تعالی در آیه ۴۵ سوره عنکبوت نماز را این چنین معرفی می‌کند: «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ». در مورد این آیه نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أرأیتُم لو أن نَهراً بباب احدکم یغتسل فیهِ کل یوم خمس مرات هل یبقی من در شی» قالوا: لا یبقی من در... شی قال: «فذلک مثل الصلوات الخمس یمحوالله بهن الخطایا».

آیه مذکور دلالت بر آن دارد که حقیقت نماز با رعایت حدود و لوازم آن و ادای حق آن باز دارند و لذا ارتکاب گناه و اعمال ناپسند است و نمازی که چنین نباشد فاقد حقیقت نماز است. عبدالله بن مسعود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «لاصلاة لمن لم یطع الصلاة و طاعة الصلاة أن تنهی عن الفحشاء و المنکر». احادیث مذکور مؤید این مطلبند که بازدارندگی از فحشاء و منکر صفت اساسی نماز است که بدون آن مفهوم حقیقی نماز محقق نخواهد شد.

در سوره حمد از گمراهان (ضالین) یاد می‌شود که نمازگزاران مؤمن در تمامی نمازهای پنجگانه خود از خداوند می‌خواهند که در راه آنها قرار نگیرند (والضالین). یکی از جنبه‌های قرار گرفتن در مسیر گمراهی و گمراهان، تلاش و تکاپوی اقتصادی نامشروع است. در نماز (سوره حمد) از صراط مستقیم نیز یاد می‌شود که یکی از وجوه این صراط مستقیم، تلاش و پشتکار مشروع است. بنابراین ملاحظه می‌شود که در سوره حمد، انسان از خداوند می‌خواهد اولاً هدایت شود به راه مستقیم (مثلاً تلاش اقتصادی مشروع) و ثانیاً از گمراهی و گمراهان دور باشد (مثلاً بیکاری و یا تلاش‌های اقتصادی نامشروع همانند گران‌فروشی، احتکار، رباخواری و...)

مؤمنی که نمازگزار است؛ به گونه‌ای تلاش می‌کند که هم بهره‌وری او بالا باشد و هم مشروعیت کار وی تضمین گردیده باشد. به همین خاطر است که می‌توان اذعان داشت که نماز به هدایت صحیح تلاش‌های اقتصادی و دوری از مفساد اقتصادی (ربا، احتکار، گران‌فروشی و...) مؤمنان کمک خواهد کرد. شاید بتوان گفت که یکی از دلایل پیشتازی اقتصاد مسلمانان در قرن‌های اول تا چهارم هجری، تلاش‌های اقتصادی مشروع و بهینه‌ای بوده است که در سرزمین‌های پهناور اسلامی (از اندلس تا سمرقند و بخارا) به عمل آمده است.

#### ب) اقامه نماز و پیشگیری از مفساد اقتصادی (از نظر شرایط صحت نماز)

نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرایط صحت نماز، دعوت به پاکسازی زندگی می‌کند. محلی که در آن غسل و وضو انجام می‌شود، باید از هر گونه غضب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد. کسی که آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غضب، کم‌فروشی و رشوه‌خواری کسب اموال حرام باشد، چگونه می‌تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران.

با توجه به بازدارندگی نماز از گناه و آلودگی می‌توان امید داشت که جامعه‌ای که اقامه کننده «نماز» است؛ بتواند در مسیر تعالی و رشد گام بردارد. از جمله مواردی که می‌توان بوسیله گسترش «فرهنگ نماز» در جامعه نهادینه نماییم دور شدن از مفاسد و آسیب‌های پیرامون مسائل اقتصادی است. از دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام نیز داشتن کسب و رزق حلال که عاری از حق و حقوق دیگران باشد، سفارش اکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسب درآمد حلال بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. (مَحْجَةُ الْبَيْضَاءِ، ج ۴، ص ۲۰۳).

بنابراین وقتی بنده‌ای رزق حلال را از فرامین الهی تشخیص می‌دهد؛ تمام تلاش خود را جهت کسب درآمد حلال بکار می‌گیرد و این باعث می‌شود خیلی از آسیب‌های متوجه حوزه اقتصاد در جامعه مرتفع شود. آسیب‌های متوجه حوزه اقتصاد متعدد است از جمله؛ احتکار، ربا، رشوه‌خواری، گران‌فروشی، کم‌فروشی، کلاهبرداری و اقسام مختلفی که می‌تواند به آن اشاره نمود. تنها در پرتو ایمان و اعتقاد به حضرت حق است که می‌توان از این معضلات و مشکلات فاصله گرفت. «نماز» بدون شک یکی از فرامین و دستوری است که می‌تواند همواره حرکت انسان را به سوی حضرت حق، مستقیم و از کج‌روی‌ها جلوگیری نماید.

اولین درخواست ما از خداوند در نماز، پس از حمد، ثنا، اظهار بندگی، استمداد و درخواست، هدایت به راه راست است: «اهدنا الصراط المستقیم» در مسائل فکری و عملی زندگی، عقاید و رفتار و موضع‌گیری‌ها، شناخت راه صحیح، بسیار مهم و در عین حال، دشوار است. از این رو از خداوند می‌خواهیم که ما را به «صراط مستقیم» هدایت کند. (قائم‌پور، «نماز و بایسته‌های توسعه اقتصادی»، ص ۸).



## نتیجه گیری

نتیجه اینکه نماز، شخصیت انسان را تعالی می بخشد و او را به ابزار کنترل درونی مجهز کرده و جهت گیری مناسبی در رفتار آنها ایجاد می نماید، در نتیجه وقوع جرم و جنایت در جامعه نیز کاهش می یابد.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه: محمد محمدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی.
- آمدی، تمیمی، عبدالواحد، معجم الالفاظ غررالحکم و دررالکلم، سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق - ۱۹۸۸ م.
- اصفهانی، راغب، المفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۱۹۹۲ م.
- انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، قم، عرفان، چاپ پنجم، ۱۳۶۸.
- بدیعی، محمد، حضور قلب در نماز از دیدگاه عارفان و عالمان، قم، تشیع، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- بندر ریگی، محمد، المنجد الطلاب، تهران، آرمان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- پارسا، محمد، زمینه روان شناسی، تهران، بعثت، بی تا.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام: محمد معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱.

- توانایان فرد، حسن، تأثیر نماز در افزایش بهره‌وری، اصفهان، بنی‌هاشم، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- تویسرکانی، محمد بنی، لثالی الأخبار، تهران، تهران، جهان، بی‌تا.
- جمعی از نویسندگان، کلیدهای خوشبختی، مترجم: احمد آرام، تهران، چاپخانه مروی، چاپ دوم ۱۳۴۷.
- جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمه: مهدی قائنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.
- حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرا، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- حیدری نراقی، علی محمد، نماز، راه پیروزی بر مشکلات، قم، مهدی نراقی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- دیلمی، حسین، هزار و یک نکته درباره نماز، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸.
- راشدی، حسن، نمازشناسی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- رفیع‌پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، سهامی انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۸. (پاورقی)
- زین‌الدین بن علی، اسرار الصلوة التنبیهاة علی وظایف الصلوة القلبیه، بی‌جا، چاپ سنگی، بی‌تا.

ژاله فر، تقی، آموزش عرفانی نماز (بر اساس روان‌شناسی اسلامی)، زنجان، نیکان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷.

شالچیان، طاهره، آشنایی با اصول روان‌شناسی، بی‌جا، انتشارات بدر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

شجاعی، علی، سلامت روان در پرتو نماز، قم، سابقون، چاپ اول، ۱۳۸۲.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی عمومی، بی‌جا، توس، ۱۳۶۳.

شیخ صدوق، علل الشرایع، ترجمه: سید محمدجواد ذهنی، قم، مؤمنین، چاپ اول، ۱۳۸۰.

صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۱۱ هـ. ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، (ده جلدی)، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۵ هـ. ق.

طبرسی، شیخ ابی‌علی‌الفضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان (۵ جلدی)، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل‌الله طباطبایی، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق. - ۱۹۸۸ م.

طبرسی، شیخ ابی‌علی‌الفضل بن الحسن، مکارم الاخلاق، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ هـ. ق.

عدنان سالم، محمد وهبی سلیمان، محمد، معجم الکلمات القرآن العظیم، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ. ق. - ۱۹۹۷ م.

عزیزی اراکی، عباس، آثار و برکات نماز در دنیا، برزخ، قیامت، قم، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

عزیزی تهرانی، علی اصغر، حضور قلب در نماز، قم، بوستان کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.

عزیزی اراکی، عباس، پرورش روح (نماز و عبادت در تفسیر المیزان)، قم، نبوغ، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

عزیزی اراکی، عباس، جامع آیات و احادیث نماز، قم، نبوغ، چاپ اول، ۱۳۷۵.

عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹.

غاری کلخوران، اکبر، درآمدی بر توسعه فرهنگی از دیدگاه قرآن و سنت، محقق اردبیلی، اردبیل، چاپ اول، ۱۳۸۸.

فقیهی، علی نقی، بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین، بی جا، قدس، چاپ اول، ۱۳۸۴.

فیض کاشانی، ملا محمد محسن، محجة البیضاء، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۵ هـ.ق.

قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، تدوین: جواد محدثی، قم، مهر، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۷.

قرائتی، محسن، راز نماز، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.

قربانیان، احسان الله و بهاره، نماز اکسیر سلامتی، مشهد، ضریح آفتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹.

قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ترجمه: مرتضی آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم فی الاثار، قم، أسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
- کاپلان، سادوک - گرب، خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری - روان‌پزشکی بالینی، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تهران، شهر آفتاب، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- کارنگی، دیل، آیین زندگی، ترجمه: سمیرا شاه‌مرادی، تهران، نهال جوان، ۱۳۸۱.
- کاشانی، فتح‌الله، تفسیر منهج الصادقین، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، علمیه الاسلامیه، بی‌تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه الاسلامیه، بی‌تا.
- گانندی، موصداس کارمچاند، همه مردم برادرند، ترجمه: محمود تفضلی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، تهران، دانا، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- گیلانی، عبدالرزاق، شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، تصحیح: سید جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
- متقی هندی، علاء‌الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ ه.ق.
- مجاورهای، محسن، نماز و آثار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، تهران، اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ه.ق.

محمد بن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق، ثواب الاعمال عقاب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، قم، صدوق، چاپ دوم ۱۳۷۳.

محمدی ری شهری، محمد، الصلاة فی الكتاب و السنه، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، چاپ نهم، ۱۳۸۷.

مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، نماز گنجینه رمز و راز، ستاد اقامه نماز و نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

مشایخی راد، شهاب‌الدین، اندیشه‌های تربیتی استاد مطهری، قم، دفتر عقل، چاپ اول، ۱۸۳.

مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۲.

موسوی خمینی رحمه الله، سید روح‌الله، آداب الصلوه (آداب نماز)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۷۸. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

موسوی خمینی رحمه الله، سید روح‌الله، رساله توضیح المسائل (نه مرجع) تدوین لطیف و سعید ارشادی، تهران، پیام عدالت، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

موسوی خمینی رحمه الله، سید روح‌الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه: عباس عرب، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۲.

نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، تهران، مؤسسه البعثه، ۱۳۶۳.

نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، نجف، الحکمیة الاسلامیة، ۱۳۸۴ هـ. ق.

نوری، محمداسماعیل، نماز جماعت و برکات نماز، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.

واعظی‌نژاد، حسین، طهارت روح، نماز و عبادت در آثار شهید مطهری، قم، ستاد اقامه نماز، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

وحدت پناه، علیرضا، نماز و جامعه‌شناسی، تهران، ستاد اقامه نماز، بی‌تا.

یزدی، سید محمدکاظم، العروه الوثقی، تهران، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

اصلانی، «نقش نماز در سالم‌سازی فضای سیاسی»، در: مجموعه مقالات نماز، حکومت، تربیت، قم، اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۰.

ایمانی، محسن، «آثار و پی‌آمدهای ارزشمند نماز در خانواده، آثار و فواید نماز»، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶.

جمعی از نویسندگان، «آثار و فواید نماز»، در: مجموعه مقالات نماز در سیمای خانواده، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

حق‌پناه، مژگان، «توسعه فرهنگی در جامعه ایرانی»، [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)، ۲۰۰۶/۳/۹.

خیاطی، نسرین، «اثربخشی نماز در ارتقای بهداشت خانواده»، در: مجموعه مقالات نماز در سیمای خانواده، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات، «نقش دین در بهداشت روانی»، در: مجموعه مقالات اسلام و بهداشت روانی (جلد ۲)، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.

فصلنامه نقد و نظر، در مجموعه مقالات «دین و بهداشت روانی»، شماره ۳۳ و ۳۴، سال نهم، ۱۳۸۳.

گلزاری، محمود، «نقش نماز در استحکام خانواده» در: مجموعه مقالات نماز راهی به سوی کامیابی، قم، ستاد اقامه نماز، چاپ اول، ۱۳۷۶.

